



المخطوط  
سبعان

نمبر ششم

این شماره شرفیه مابقی یک نمره بطبع میرسد  
قیمت نسخه کثیران لیا نیکتومان دو سوسه ادرینا



### جناب صییرالدوله

جناب صییرالدوله خان صییرالدوله وزیر تجارت و فلاحه که از حال کافی و وزاری مخرب کاروان ایندولجا و بدست کشید  
از بادغی غم شرف چاکری دولت و از افزون شرف آمده روز بروز بخیر خدمت و سلامت عقل و اصابت رای طی امر آجاکر اندر

مقامات و شرفات عالیله که دیده اند در سال کنیز و دوست و هفتاد و چهار منصب نیات وزارت جلبد امور خارجه مخصوص



در دربار دولت علیه ایران شده است

بقیه روزنامه سفر خیریت اشراف شاه عالم پناه بدلته دولت بهماستاق  
بعذر نما سوار شده فرتیم روز نوزل ش ساعت بغروب مانده وارد شدیم چادر بارالب و خانه زوده اند آخجی دار و بزموا



جناب مسیو کوسکے

بوقت یروز برود عدو برق شد آمدتی نم نم بارید اما موای اینجا خیلی بسته زورار و دست طومش کتر و سلاش مشرا

روز جمعه بیت و مضمیمه باوصاف و آفتاب بسیار خوبی بود سوار شده فرتیم بطرف دره بلا و سر چشمه از بعدنی

که شتیم آرش مثل سنوت قدیم که دیده بودیم می آمد کل و کجا و صحرای آب چشمه و غیره خیلی باصفا بود فرتیم از چشمه زیر کمر بزرگم گذر

یا لاجرمی و خیلی باصفا و کما می زینفش زیادی داشت آنجا بنهار افادیم بعد نماز فرتیم پائین قدری با سنگی شستیم و شکار غمره

شکارچی پیدا شد در دره لب آب قبا بگردان و در عصر آن خورده سوار شده دو ساعت بغروب مانده دیدیم منزل را

دیگر بوقت وزهای گذشته اعلایی در هوای پدید آمدند و خوب هوا صاف و آرام بود متوجه گفتم که یک شب بعد از ما در راه بود  
آمده تعریف میکرد که بعد از باران آب زیاد شد پل اضراب کرد و چای در لای را تا ما آب گرفت الحمد لله که ما از آنجا  
حرکت کرده بودیم روز شنبه بیست و هشتم باز هوا صاف و خوب و آرام بود میل کردیم

بشکار گوه برویم سوار شده رانندیم بر احمی پس لیرا که در روز جمعه آنجا بودیم بالای حین دیکت حشر شب بهار افتادیم بعد از نماز  
سوار شده از راه بار یک نخعی سبلا رانندیم یکدسته بز که طرف دست چپ دیده شد تا در جلوه گوه بلند می کرد که راه انداختیم  
بالای آن دو ارفالی و قوچ و میش و بز زیاد می دیدیم و در راه دیدیم که در راهی برای عقب کردن آنها جسته

قدرتی اند ما رسیدیم بگرگ دنگه که تمام ما زاندر آن الی گوه اشرف پیدا بود دریا هم خوب نمایان بود از طرف که بهای چپ بود  
در سنگ است جایی با معنی است در برف دارد که مثل قطب شمال است و در خانه در راه از میان اینکوه و دریا میگذرد  
اطرافش خنک است و در خانه قدری پیچ می رود و بعد بکنه بسیار سختی میریزد ولی بورت در راه در آن تنگه سخت میباید

ایلات با اغنام خیلی بر تنهای اینچاهای آسیند از اینجا هم راهی دارد که بلا میسود اگر انشا الله از اینجا بهای از راه  
بنام استاق ساخته شود بهتر از راه در راه خواهد بود خلاصه مراجعت با قبا کردن کرده چای و عصر از خورده آمدیم  
روز یکشنبه بیست و نهم امر و باید اردو برو و بطرف جنوب حالی آب معدنی پرر

نزل ذکر شد اما اکثری زایل رود در همین چمن بورت منزل اول میمانند صبح سوار شده در زیر آبشار که زیر دست است  
که از راه و اینچاهای آسیند بهار افتادیم دو میدان سب راه است آبشار بسیار خوبی است بطرف خوشی میریزد ولی عصر آنجا  
توقف شد عصری سوار شده قدری بطرف پائین سب راه رفتیم چون بوقت بود که گشته فتم بورت تازه اردو در تخی افتاد است

چیز خوب و کثیر و علفهای معطر خوب اردو سیر کرده در محل بسیار خوبی ده اندرین اینجا با خشک و خاکست و بوئین خوش و سالم  
دو شنبه غره رمضان المبارک در منزل مشغول بعضی امور کارهای و توبی دیدیم چهار ساعت و نیم لغز  
بلند سوار شده از راه سمت مغرب سیر کردیم که برای خانان بسیار مشغول سابقین ۱۰  
نقشه در غره است حسن محمد

دو شنبه غره رمضان المبارک در منزل مشغول بعضی امور کارهای و توبی دیدیم چهار ساعت و نیم لغز  
بلند سوار شده از راه سمت مغرب سیر کردیم که برای خانان بسیار مشغول سابقین ۱۰  
نقشه در غره است حسن محمد